

## حوزه بندی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

علی احمدی

### چکیده

یکی از مهم ترین مسائل انتخابات، تعیین حدود حوزه های انتخابیه است. تقسیم سرزمین و جمعیت کشور به حوزه های انتخاباتی، نخستین گام به منظور تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت کشور است. در بسیاری از کشورها، حوزه های انتخابی با واحدهای متعارف تقسیمات کشوری مانند بخش و شهرستان و استان که تشکیل دهنده مرزهای سیاسی و اداری کشور هستند، متفاوت و دو مقوله جدا از هم اند که هر کدام، قانون و مقررات ویژه خود را دارند و لزوماً بر یکدیگر منطبق نیستند.

از سوی دیگر، تعیین محدوده حوزه انتخابی، بسته به نوع انتخابات تفاوت می کند. در تعیین حوزه بندی انتخابات قوانین اساسی برخی کشورها به تعداد کرسی های پارلمانی اشاراتی دارند و مقرر می دارند که هر نماینده باید منتخب از سوی جمعیتی باشد. در برخی کشورها این موضوع به قوانین عادی محول شده است. یکی از معضلات نظام انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص نبودن تعریف دقیق و معیارهای حوزه بندی انتخابات است. در این مقاله ضمن بررسی تاریخی تحولات حوزه بندی انتخابات، مسائل این حوزه مورد بررسی قرار می گیرد.

### واژگان کلیدی

انتخابات، حوزه های انتخابی، حوزه بندی انتخابات

### مقدمه

۱- این مقاله برگرفته از کتاب «انتخابات در ایران» نوشته علی احمدی (۱۳۸۹)، نشر میزان، صفحه های ۲۰۳-۱۴۵ می باشد.

حوزه انتخابی عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با جمعیتی مشخص و تعداد معینی نماینده که به آن تعلق می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، حوزه‌های انتخابی با واحدهای متعارف تقسیمات کشوری مانند بخش و شهرستان و استان که تشکیل دهنده مرزهای سیاسی و اداری کشور هستند، متفاوت و دو مقوله جدا از هم اند که هر کدام، قانون و مقررات ویژه خود را دارند و لزوماً بر یکدیگر منطبق نیستند. از سوی دیگر، تعیین محدوده حوزه انتخابی، بسته به نوع انتخابات تفاوت می‌کند. چنانچه انتخابات برای تعیین رئیس جمهور، یا فرماندوم باشد، تمام وسعت جغرافیایی کشور به صورت یک حوزه انتخاباتی در می‌آید، اما اگر برای تعیین نمایندگان پارلمان (مجلس) و شوراها باشد حوزه انتخابیه به صورت یک پارچه و ملی معنا پیدا نمی‌کند.

برخی از کشورها در تعیین حوزه‌های انتخابی به عامل جمعیت اهمیت فراوان می‌دهند. شورای قانون اساسی فرانسه در سال ۱۹۸۶، معیارهای تعیین حوزه‌های انتخاباتی را متضمن این اصل دانست که تفاوت جمعیت در هر حوزه نباید از ۲۰ درصد میانگین حوزه‌ها بیشتر باشد. در انگلستان، کمیسرهای مرزی ملزم به معین ساختن هر حوزه انتخاباتی هستند به نحوی که تا حد ممکن سهمیه متوسط منطقه‌ای لحاظ شود.<sup>۱</sup>

### الف) عوامل تعیین کننده حوزه انتخابی

در استقرار بنیادهایی برای تعیین حوزه‌های انتخابی عوامل جغرافیایی، جمعیت و نظام انتخاباتی نسبت به سایر عوامل برجستگی خاصی دارند.

#### نمایندگی جغرافیایی

در یک نظام، یعنی نظام جغرافیایی، به هر یک از نواحی (بخش‌ها، شهرستان‌ها، ایالت‌ها) تعداد معینی از نمایندگان انتخابی تعلق می‌گیرد. معیارهای جغرافیایی دو دسته‌اند:

- ۱) معیارهای مربوط به مرز جغرافیایی: در برخی از کشورها که بنا به دلایلی معیارهای جمعیتی نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد، حوزه‌های انتخابیه بر حسب مرزهای طبیعی نظیر رودخانه‌ها، رشته‌کوه‌ها و مانند آن، یا بر حسب مرزهای اداری تعیین شده، مشخص می‌شوند.
- ۲) معیارهای مربوط به شکل و اندازه جغرافیایی: برخی کشورها بر اساس عواملی چون

پراکندگی جغرافیایی، دور افتاده بودن مناطق، دسترسی جغرافیایی و مانند آن، حوزه‌های انتخابی را تعیین می‌کنند. از این معیار در سرزمین‌های وسیعی که پراکندگی جمعیت در آنها مشهود است نظیر کانادا، استرالیا یا سرزمین‌هایی که دارای جزایر متعددی هستند، استفاده می‌شود.

۱- مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۰ فصل اول، ماده چهار تبصره یک- تبصره دو- در صورتی که در موارد خاص و یا به علل گوناگون نماینده هر یک از حوزه‌های انتخابیه تعیین نگردد، وزارت کشور مکلف است در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات در حوزه انتخابیه مربوط اقدام نماید.

### تعیین حوزه‌های انتخابیه بر حسب جمعیت‌های ذی‌نفع

برخی از کشورها حوزه‌های انتخابیه را بر اساس جمعیت‌های نژادی، مذهبی، زبانی و مانند آن، با منافع مشترک مشخص می‌کنند. این اشتراک منافع ممکن است شامل پیشینه نژادی و قومی، تاریخ یا فرهنگ مشترک، مذهب یا زبان مشترک یا موقعیت اقتصادی و اجتماعی مشترک باشد. در ایران این ملاک در مورد اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود. نمایندگی جغرافیایی از نقیصه، خاصی برخوردار است که در هر دموکراسی هم بسیار متداول است و هم بسیار خطیر. جوهره این نقیصه دخل و تصرف در شکل نواحی جغرافیایی است، به نحوی که نمایندگی حقیقی و متعادل در آن نواحی امکان پذیر نباشد. نواحی انتخاباتی با جمعیتی نزدیک به صفر و «دغل بازی در حوزه‌های انتخاباتی» که هنوز هم گه‌گاه در برخی کشورها مشاهده می‌شود، نمونه‌هایی از تحریف شکل عمده‌ی به شمار می‌آیند.

یافتن راه مناسب برای تعریف شکل نواحی انتخاباتی بسیار دشوار است. تغییر تعداد نمایندگان در مجلس یا تناسب تعداد نمایندگان از نواحی مختلف، معمولاً شدنی نیست. تنها راهی که باقی می‌ماند، ترسیم مجدد محدوده‌های نواحی انتخاباتی است روی نقشه محل، و کار طاقت‌فرسای تجدید سهم‌بندی نمایندگان در مجلس است. حتی وقتی که نیاز به تجدید تناسب تعداد نمایندگان از هر سو به شدت احساس شود، به اجرا در آوردن این طرح کاری فوق‌العاده دشوار است. یک نظام نمایندگی، همین که به اجرا درآید، عادی و مستقر می‌شود. به علاوه، کار سهم‌بندی مجدد طبعاً بر عهده خود نمایندگان قرار می‌گیرد، و اینان احتمالاً خواستار تغییر نظامی نخواهند بود که بر طبق آن به رهبری برگزیده شده‌اند و منافع زیادی در حفظ آن دارند.

### تعیین حوزه‌های انتخابیه در راستای منافع خاص

این اصطلاح جدا از پیشینه تاریخی آن، به سوءاستفاده‌هایی اطلاق می‌شود که با تغییر حدود حوزه‌های انتخابی، منافع فرد، افراد یا گروه خاصی را تأمین می‌کند. در کشورهایی که دارای احزاب قوی و جافاده‌ای هستند، این سوءاستفاده ممکن است توسط حزب حاکم که قدرت تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه را دارد، انجام گیرد. برای مثال در آمریکا، در فاصله سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴، حزب حاکم بواسطه قدرتی که در این زمینه نسبت به سایر احزاب داشت، توانست با تعیین مجدد حوزه‌های انتخابی، تعداد بیشتری از کرسی‌ها را در انتخابات کنگره به دست آورد. سوءاستفاده‌های دیگری که انجام می‌گیرد شامل تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه علیه اقلیت‌های مذهبی، نژادی، قومی و به نفع دین، نژاد و یا قوم خاص است. در تعیین این حوزه‌ها گه‌گاه فرد، افراد یا گروه خاصی برای حفظ منافع خود و بر اساس «معیارهای جانب‌دار»، حوزه‌های انتخابی را تعیین می‌کنند. در نظام‌های انتخاباتی اکثریت مطلق نسبی، این نوع سوءاستفاده به سهولت صورت می‌گیرد و در عین حال، پیامدهای آن بسیار خطرناک‌تر از

سایر نظام‌های انتخاباتی است.

واقعیت این است که در بسیاری از موارد سوءاستفاده به نحو بسیار ظریفی انجام می‌شود. بنابراین، باید هرگونه تعیین مجدد حدود حوزه‌های انتخابیه را با وسواس بیشتری دنبال کرد و پیامدهای سیاسی و حقوقی آن را مورد ارزیابی و سنجش کارشناسانه قرار داد.

### حوزه بندی انتخابات بر اساس کرسی های پارلمان

قوانین اساسی برخی کشورها به تعداد کرسی های پارلمانی اشاراتی دارند و مقرر می‌دارند که هر نماینده باید منتخب از سوی جمعیتی باشد.<sup>۱</sup> در برخی کشورها این موضوع به قوانین عادی محول شده است. قانون اساسی مشروطیت در اصل چهارم: "عده انتخاب شوندگان به موجب انتخاب نامه علیحده برای تهران و ایالات، یک صد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت، عده مزبور تزايد تواند یافت الی دویست نفر." بر اساس نظام نامه انتخابات اصنافی، عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران، بیش از دویست نفر نمی‌تواند باشد.<sup>۲</sup> عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا ۱۲ نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عده انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل سی و دو نفر است.<sup>۳</sup> در نظام نامه انتخابات دو درجه ماده ۱ تعداد نمایندگان مجلس ۱۲۰ نفر تعیین شد.

بر اساس قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعد از آن، عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است.<sup>۴</sup> با اصلاح قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۳۳۶، عده نمایندگان طبق آمار رسمی کشور به نسبت هر یکصد هزار نفر جمعیت، یک نفر اضافه می‌شود. در نتیجه، نمایندگان از ۱۳۶ نفر به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. و بر اساس مصوبه مجلس

۱- برای مثال، اصل ۳۴ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی مصوب ۱۹۳۶، در خصوص (شورای اتحاد جماهیر شوروی) مقرر کرده است «اعضای شورای اتحاد، توسط شهروندان اتحاد جماهیر شوروی انتخاب می‌شوند. شهروندان اتحاد جماهیر شوروی، در حوزه‌های انتخاباتی، به تناسب یک نماینده بابت سیصد هزار نفر از ساکنین تقسیم می‌شوند.» یا اینکه در اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌خوانیم: «عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر سال در صورت زیاد شدن جمعیت، در هر حوزه انتخاباتی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر، یک نماینده اضافه می‌شود».

۲- نظام نامه انتخابات اصنافی، ماده هشتم

۳- نظام نامه انتخابات اصنافی، ماده شش: در تهران شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر، علما و طلاب چهار نفر، تجار ده نفر، ملاکین و فلاحین ده نفر، اصناف از هر صنفی یک نفر جمعاً سی و دو نفر می‌شوند. در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل است: آذربایجان دوازده نفر، خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام ۱۲ نفر، گیلان و طالش شش نفر، مازندران و تنکابن و استرآباد و فیروز کوه و دماوند ۶ نفر، خمسه و قزوین و سمنان و دامغان ۶ نفر، کرمان و بلوچستان ۶ نفر، فارس و بنادر ۱۲ نفر، عربستان، لرستان و بروجرد ۶ نفر، کرمانشاهان و گروس ۶ نفر، کردستان و همدان ۶ نفر، اصفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه ۱۲ نفر، عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خوانسار ۶ نفر.

۴- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب سال ۱۲۹۰ ماده یک و مصوبه ۱۲ شهریور ماه و اصلاحات مصوبه ۵ و ۱۲ مهر ماه ۱۳۰۴.

شورای ملی، دهم تیرماه ۱۳۴۶ قانون افزایش تعداد نمایندگان به ۲۶۸ کرسی تصویب شد. در قانون مصوب سال ۱۳۵۰ نیز تعداد ۲۶۸ نماینده مورد تایید قرار گرفت، ولی حوزه های انتخابی اصلاح شد.

در نظام نامه انتخابات دو درجه و اصلاحات بعدی آن، تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات از قرار شرح جدولی است که به آخر قانون منضم شده است.<sup>۱</sup> در اصلاحات بعدی قانون، انتخابات از حالت انتخاب محدود به طبقات خاص خارج شد. تساوی کرسی ها بین شش و دوازده نفر، از بین رفت و در برخی حوزه های انتخابی، یک کرسی و در برخی دیگر، چند کرسی تعیین شد. به علاوه ایلات عمده موافق حوزه بندی انتخابات، هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می فرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده، در جزو هر حوزه که هستند، رأی خواهند داد.<sup>۲</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی، در اصل ۶۴، اشعار می دارد که: "عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است.<sup>۳</sup> پس از هر ده سال، در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر، یک نماینده اضافه می شود. در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، ذیل این اصل از قانون اساسی بدین گونه اصلاح شد. "از تاریخ همه پرسی سال ۱۳۶۸، پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. "محدوده جغرافیایی و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند. تقسیم آن (نسبت نمایندگان به جمعیت) بر اساس جدول ضمیمه این قانون می باشد.<sup>۴</sup> براساس قانون انتخابات، مصوب سال ۱۳۶۲ "از تاریخ رسمیت یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی، هر ده سال یک بار بر اساس آمار سرشماری کشور، در هر حوزه انتخابیه به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر اضافی، یک نماینده اضافه می شود.<sup>۵</sup> در قانون انتخابات، مصوب سال ۱۳۷۸ تعیین شد که: "عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۹۰ نفر است و افزایش تعداد آن براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی خواهد بود."<sup>۶</sup>

از تعداد کل نمایندگان، پنج نفر به ترتیب ذیل مربوط به اقلیت های مذهبی است. زرتشتیان و کلیمیان، هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی، مجموعاً یک نماینده و مسیحیان

۱- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب سال ۱۲۹۰ ماده دو و مصوبه ۱۲ شهریور ماه و اصلاحات.

۲- اصل شصت و چهارم قانون اساسی.

۳- مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰ فصل اول، ماده دو قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو.

۴- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک ۱۳۶۲، ماده دو تبصره ۳.

۵- هفتم آذر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و هشت، ماده ۲.

ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده.<sup>۱</sup> قوانین اساسی برخی کشورها، در این زمینه یا ساکت اند یا این که چنین تکلیفی را بر عهده قوانین انتخابات می گذارند.<sup>۲</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جز در مورد تعداد نمایندگان مجلس، تعداد اعضای شورای اسلامی روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان و شورای عالی استانها را به قوانین عادی محول نموده است، یا تعداد اعضای مجلس خبرگان رهبری، پس از شکل گیری، دوره اول را به تصمیم خود خبرگان موکول نموده است.

در نظام نامه انتخابات اصنافی، دوره نمایندگی دو سال است. این ماده از قانون در قوانین و اصلاحیه های بعدی تا مجلس نوزدهم تکرار شد. براساس مصوبه سال ۱۳۳۶ و اصلاحیه قانون اساسی، مدت نمایندگی مجلس شورای ملی از دو سال به چهار سال افزایش پیدا کرد. در جمهوری اسلامی ایران، دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است.<sup>۳</sup> دولت موظف است در برگزاری انتخابات ترتیبی اتخاذ نماید که پیش از پایان دوره قبل انتخابات را برگزار کند، به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.<sup>۴</sup> در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین می کند.<sup>۵</sup>

### حوزه بندی انتخابات بر اساس جمعیت

یکی از مهم ترین معیارهایی که اغلب کشورها آن را پذیرفته اند، معیارهای جمعیتی است. به عبارت دیگر، بر حسب میزان جمعیت که اغلب به صراحت در قوانین انتخاباتی آمده است، حوزه های انتخابیه تعیین می شوند. با این حال، حوزه های انتخاباتی، نه از حیث تعداد، نه از حیث ابعاد و نه از حیث جمعیت، امری ثابت نیستند. در ایران، اولین قانون انتخابات به نام نظام نامه انتخابات اصنافی در دوره مشروطیت، حوزه های انتخابی با انتخاب جمعی (هر ایالت شش یا دوازده نفر) تعیین شده بود.<sup>۶</sup> در شهرهای جزو هر ایالتی، هر طبقه، علیحده جمع شده یک نفر را انتخابات نموده به کرسی ایالت می فرستند. انتخاب شدگان جزو ایالات در کرسی ایالت

۱- مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰ فصل اول، ماده دو تبصره و قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو.

۲- طبق اصل ۲۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، تعیین شمار نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنا به یک قانون ارگانیک حواله شده است.

۳- اصل شصت و سوم قانون اساسی و ماده سوم مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰

۴- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه ۱۳۶۲ ماده ۱ تبصره.

۵- اصل شصت و دو قانون اساسی.

۶- ماده هشتم نظام نامه انتخابات اصنافی.

جمع شده به عده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده، برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب می‌کنند. مطابق ماده شش، عده انتخاب شدگان در بلاد ایران متناسب جمعیت سکنه است و از هر ایالتی، شش یا ۱۲ نفر و در تهران ۶۰ نفر می‌باشد.<sup>۱</sup>

در سایر قوانین انتخابات، بعد از نظامنامه انتخابات اصنافی، در کلیه قوانین انتخاباتی، ترکیبی از هر دو حوزه انتخابی فردی (تک کرسی) و جمعی (چند کرسی) تعیین شد. مطابق قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و قانون مصوب سال ۱۳۰۴ و قانون سال ۱۳۲۲، تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات مطابق جدولی که به آخر قانون منظم شده است، می‌باشد.<sup>۱</sup> در این جدول، تساوی نمایندگان ایالت‌ها بین ۶ و ۱۲ نفر برداشته شده است. حوزه‌های انتخابی بر مبنای جمعیت تعریف شده است. این وضعیت در رابطه با تعریف کرسی‌های حوزه‌های انتخابی، تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. در محل‌های موافق تقسیم انتخابات، حق انتخاب یک نماینده وجود دارد، انتخاب فردی عمل می‌شود و در محل‌هایی که بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب شود، انتخاب جمعی خواهد بود.

**توضیح:** مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در برگه رأی به تعداد مجموع انتخاب شوندگان آن محل، اسامی اشخاص را می‌نویسد و مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در برگه‌ای، اسم یک شخص را می‌نویسند.<sup>۲</sup>

### حوزه بندی انتخابات و نظام انتخاباتی

تعداد حوزه‌های انتخابی، علاوه بر شمار کرسی‌های پارلمانی و شمار کل جمعیت کشور، به نظام انتخاباتی نیز بستگی دارد. در هر صورت، در کشورهای مختلف و همین‌طور در انتخابات مختلف، تعداد کرسی‌های حوزه انتخابات متفاوت است. در یک سر طیف، کشورهایی مثل آمریکا و انگلستان قرار دارند که دارای نظام انتخابات اکثریتی و حوزه‌های انتخابی تک کرسی هستند. بنابراین، به تعداد کرسی‌های پارلمان، حوزه‌های انتخابیه وجود دارد. در سر دیگر طیف، کشورهای مثل رژیم اشغالگر صهیونیستی، نامیبیا و عراق (اولین انتخابات پس از سقوط رژیم بعثی) قرار دارند که در آنها، اساساً حوزه انتخابیه وجود ندارد و کل کشور به عنوان یک حوزه انتخابی تلقی می‌شود. ناگفته پیداست که در این کشورها، نظام انتخاباتی به صورت تناسبی و لیست بسته است.

بین دو انتهای این پیوستار، کشورهای دیگری هستند که نه همه کشور را به صورت یک حوزه واحد در نظر گرفته‌اند که هر کس در هر جایی که اقامت دارد، بتواند به تعداد کل نمایندگان رأی

۱- قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و ماده ۲ قانون مصوب سال ۱۳۰۴ و ماده ۲ قانون سال ۱۳۲۲.

۲- ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۲۹۰ و ماده شش قانون مصوب ۱۳۰۴.

بدهد و نه حوزه های انتخاباتی تک کرسی ایجاد نموده اند. بنابراین، عمل حوزه بندی انتخابات که از ضروریات انتخابات است، اهمیت بیشتری دارد. حوزه بندی انتخابات در این کشورها با دو الگوی یاد شده متفاوت است. در نتیجه، حوزه های انتخاباتی به نسبت نظام های انتخاباتی متنوع هستند. در بسیاری موارد، نظام های انتخاباتی نتیجه آگاهانه قوه مقننه نیست، بلکه محصول عوامل و ویژگی های تاریخی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی موجود در هر کشور است. چگونگی حوزه بندی انتخابات در این گونه موارد نیز به نظام های انتخاباتی بستگی دارد. در مصر، نیمی از ۴۴۴ نماینده انتخاب شده باید از میان گارگران یا کشاورزان باشند. در لبنان، رای دهندگان، نمایندگان را از میان فهرست هایی انتخاب می کنند که توزیع کرسی ها را میان جوامع مذهبی مختلف مطمع نظر قرار داده است. در رومانی، سازمان های قانونی متشکل از شهروندان متعلق به یک اقلیت قومی و ملی، که در انتخابات دستکم دارای یک نماینده یا سناتور نشده اند، حق دارند یک کرسی نمایندگی داشته باشند، به شرط آنکه در کل کشور، حداقل ۵ درصد متوسط تعداد آرای معتبر را کسب کرده باشند.

نظام های انتخابی جمع گزینی، جمع گزینی حزبی، کم گزینی، نظام انتخاباتی جایگزینی، ترکیبی و تلفیقی از جمله روش های انتخاباتی هستند که میان دو انتهای این پیوستار کاربرد دارند. این گونه نظام های انتخاباتی، غالباً دارای حوزه های انتخابی نسبتاً بزرگ و چند کرسی هستند. در برخی کشورها، با نظام انتخاباتی اکثریتی مانند ایران، حوزه های انتخابی کوچک و بزرگ به صورت تک کرسی و چند کرسی تعریف شده است. نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران متناسب با نظام های اکثریتی در چارچوب نظام های اکثریتی مطلق و نسبی است و تاکنون عملاً معیارهای جمعیتی، ملاک تعیین حدود حوزه های انتخابیه آن بوده است. افزون بر آن، باید توجه داشت در نظام های انتخاباتی اکثریتی، هر چه وسعت حوزه و تعداد کرسی های آن بیشتر باشد تقسیم کرسی ها بر حسب تناسب آرا و درجه نمایندگی کاهش می یابد. باید توجه داشت که در حوزه های انتخابی کشور، حوزه ای و منطقه ای، انحصار حزبی وجود دارد، و در نظام های گذشته، اگرچه حزب بسیار موثر است ولی انتخابات منحصر به لیست حزب نیست.

#### تعیین محدوده حوزه های انتخابی با توجه به سه عامل جمعیت، تعداد کرسی های پارلمان و نظام انتخاباتی

ردیف	حوزه های انتخابی	نظام انتخاباتی
۱	کشورحوزه ای (هلند،...)	تناسبی، لیست بسته حزبی



تناسبی، لیست بسته حزبی، لیست باز حزبی	حوزه های چندکرسی: منطقه ای، استانی ( بلژیک، عراق و ... )	۲
۱. اکثریت نسبی ۲. اکثریت مطلق دو دوری ۳. اکثریت مطلق، جایگزینی - ترجیحی ۴. ترکیبی (رای اضافی یا نماینده اضافی) تک گزینی و لیست بسته	حوزه های تک کرسی (امریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان)	۳

### ب) حوزه انتخابی در ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی، به نسبت هر یک صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می شود.<sup>۱</sup> هر چند در اصلاحات قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸، صراحت معیار جمعیتی برداشته شد. اما معمولاً و در عمل این معیار در اصلاح حدود حوزه انتخابی اعمال می شود. تقسیم حوزه های انتخابی به حوزه های تک کرسی و چند کرسی (یک نفر نماینده و بیش از یک نفر) در قوانین انتخابات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با اندکی کم و زیاد در کرسی نمایندگی حوزه های انتخابی نیز، به همان شکل سابق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استمرار پیدا کرد و مبنای حوزه بندی انتخابات، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همان حوزه بندی سال ۱۳۵۰ می باشد.

در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، شیوه انتخاب، جمع گزینی است. بدین معنا که جمعیت ساکن در روستا، یا شهر در برگ رأی خود اسم چند نفر را می نویسند، اما در انتخابات ریاست جمهوری و برای نماینده اقلیت های مذهبی در مجلس شورای اسلامی، کل کشور یک حوزه انتخابیه تلقی می شود (کشور حوزه ای) و از میان نامزدهای که صلاحیت آنها احراز شده، رأی دهندگان به یک نامزد رأی می دهند. بنابراین، شیوه تک گزینی برای ریاست جمهوری و همین طور نماینده اقلیت های مذهبی در مجلس، هم اکنون مرسوم و معمول است، اما در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، ترکیبی از دو شیوه جمع گزینی و تک گزینی مورد استفاده قرار می گیرد. برای انتخابات خبرگان رهبری، سی حوزه انتخابات وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد حوزه های انتخابات خبرگان رهبری به تعداد استان های کشور است و با کم یا زیاد شدن استان های کشور، حوزه های انتخابی خبرگان رهبری هم تغییر پیدا می کند. لیکن به سبب تفاوت های جمعیتی استانها تعداد نمایندگان آنها متفاوت است.

۱- اصل شصت و چهار قانون اساسی قبل از بازنگری سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت.

در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، برای مجلس دوره اول تا سوم، کشور به ۱۹۳ حوزه انتخابی و برای مجلس چهارم و بعد، کشور به ۱۹۶ حوزه انتخابی و از سال ۱۳۷۸، کشور به ۲۰۷ حوزه انتخابیه تقسیم شده است. ملاک حوزه بندی، بر اساس تراکم جمعیتی و همچنین اقلیت های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

## ۱- حوزه بندی انتخابات در نظام نامه انتخابات اصنافی سال ۱۲۸۵

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	ملاحظه
۱	تهران	۳۲ نفر	ماده ششم- عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عده انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل است: شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر علما و طلاب چهار نفر تجار ده نفر ملاکین و فلاحین ده نفر اصناف از هر صنفی یک نفر جمعاً سی و دو نفر می شوند.
۲	آذربایجان	۱۲ نفر	
۳	خراسان، سیستان، تربت، ترشیز، قوچان، بجنورد و بسطام	۱۲ نفر	
۴	گیلان و طالش	۶ نفر	ماده هفتم- هر یک از انتخاب کنندگان صاحب یک رأی می باشند و فقط در یک طبقه می توانند انتخاب کنند.
۵	مازندران، تنکابن، استرآباد، فیروز کوه و دماوند	۶ نفر	
۶	خمسه، قزوین، سمنان و دامغان	۶ نفر	ماده هشتم- عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران بیش از دویست نفر نمی تواند باشد.
۷	کرمان و بلوچستان	۶ نفر	- در شهرهای جزء هر ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت می فرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب می شوند و یا در محال آن شهر سکنی داشته باشند
۸	فارس و بنادر	۱۲ نفر	
۹	عربستان، لرستان و بروجرد	۶ نفر	
۱۰	کرمانشاهان و گروس	۶ نفر	- انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالات در کرسی ایالت جمع شده به عده ای که در صورت فوق برای هر ایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب می کند تا در مجلس شورای ملی حضور به هم رسانیده در مدت مأموریت به وظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند
۱۱	کردستان و همدان	۶ نفر	انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.
۱۲	اصفهان، یزد، کاشان، قم و ساوه	۱۲ نفر	
۱۳	عراق، ملایر، تویسرکان، نهاوند، کمره، گلپایگان و خوانسار	۶ نفر	

حدود حوزه های انتخابی در نظام نامه انتخابات اصنافی به تناسب جمعیت کشور و تعداد نمایندگان به صورت چندکرسی و به طور مساوی بین شش و دوازده کرسی تعیین شد.

## ۲- حوزه بندی انتخابات در نظام نامه انتخابات دودرجه سال ۱۳۸۸

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۱	تهران	۴۵	۱۵	<p>ماده ۱۵: انتخاب در کلیه ممالک ایران به طرز دو درجه خواهد بود.</p> <p>توضیح اول: مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتدا در محله های یک شهر یا در شهرهای یک حوزه انتخابیه عدد معینی را انتخاب می نمایند که منتخب نامیده می شوند و بعد این انتخاب شدگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عده مطلوبه ثانیاً انتخاب می کنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نماینده خوانده می شوند.</p> <p>توضیح دوم: مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظام نامه یک یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می فرستد اعم از این که آن قسمت در تحت یک یا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه ای است که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع می شود.</p> <p>ماده ۱۶: انتخاب درجه اول و ثانی کلیه به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محل هایی که موافق تقسیم نظام نامه بیش از یک نفر حق انتخاب ندارند در این صورت به انتخاب فردی عمل می شود.</p>
۲	آذربایجان	۵۷	۱۹	
۳	خراسان	۳۳	۱۱	
۴	سیستان و قنات	۳	۱	
۵	فارس	۲۴	۸	
۶	بنادر و جزایر	۶	۲	
۷	کرمان	۱۵	۵	
۸	بلوچستان، بم و نرمانشیر	۳	۱	
۹	استرآباد	۳	۱	
۱۰	اصفهان	۹	۳	
۱۱	بروجرد	۶		
۱۲	خمسه و طارم	۱۲		
۱۳	ساوه و زرنند	۶		
۱۴	سمنان و دامغان	۳	۱	
۱۵	شاهرود و بسطام	۳	۱	
۱۶	عراق (اراک)	۶	۲	
۱۷	عربستان (خوزستان)	۹	۳	

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۱۸	فیروزکوه و دماوند	۳	۱	ماده ۱۷: انتخاب درجه اول به اکثریت نسبی و انتخاب درجه ثانی به اکثریت تام خواهد بود. توضیح: مراد از اکثریت تام آن است که بیشتر از نصف رأی دهندگان درباره کسی رأی داده باشند. توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در ورقه رأی به عهده مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص می نویسند مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در ورقه رأی اسم یک شخص را می نویسند.
۱۹	قزوین	۶	۲	
۲۰	قم	۳	۱	
۲۱	کاشان، نطنز، جوشقان	۶	۲	
۲۲	کردستان	۹	۳	
۲۳	کرمانشاه	۹	۳	
۲۴	گروس	۳	۱	
۲۵	گلپایگان، خوانسار و محلات	۶	۲	
۲۶	گیلان و طوالش	۱۵	۵	
۲۷	لرستان	۶	۲	
۲۸	مازندران، تنکابن و سوادکوه	۱۲	۴	
۲۹	ملایر، نهاوند و تویسرکان	۶	۲	
۳۰	همدان و اسدآباد	۶	۲	
۳۱	یزد و توابع	۹	۳	
۳۲	ارامنه	۱	۱	
۳۳	کلدانی	۱	۱	
۳۴	زردشتی	۱	۱	
۳۵	کلیمی	۱	۱	

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۳۶	شاهسون آذربایجان	به تعیین وزارت داخله	۱	مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده به سمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند. ماده ۱۹: در انتخاب درجه ثانی اگر دفعه اول و دوم درباره کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعه سوم همان شخص به اکثریت نسبی منتخب خواهد بود.
۳۷	قشقای	به تعیین وزارت داخله	۱	
۳۸	ایلات خمسه	به تعیین وزارت داخله	۱	
۳۹	ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	
۴۰	بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	
	جمع نمایندگان	۳۶۰	۱۲۰	

بر پایه نظام نامه انتخابات دو درجه، تغییراتی در حوزه های انتخابی ایجاد شد:

- ۱) تعداد حوزه های انتخابی از سیزده حوزه در قانون نظام نامه اصنافی به چهل حوزه انتخابی در نظام نامه دو درجه افزایش پیدا کرد.
- ۲) تساوی تعداد نمایندگان بین شش و دوازده نفر در حوزه های انتخابی حذف شد و حوزه های انتخابی که در نظام نامه انتخابات اصنافی، چند کرسی بودند، حذف و به ترکیبی از یک کرسی و چند کرسی تغییر یافت. ۱۷ حوزه انتخابی به صورت تک کرسی و بیست و سه حوزه انتخابی به صورت چند کرسی (بین دو تا نوزده نفر) تعیین شد.
- ۳) برای اولین بار عشایر و اقلیت های مذهبی دارای سهم نمایندگی در مجلس شدند.
- ۴) در توضیح دوم از ماده پانزدهم، حوزه انتخابی تعریف شد.
- ۵) این مدل از حوزه بندی انتخابات، پایه و مبنای حوزه بندی انتخابات در ایران تا کنون شده است.

در نظام نامه انتخابات اصنافی در ماده ۸، تعداد نمایندگان مجلس حداکثر دویست نفر و تقسیم حوزه های انتخابی بر اساس جمعیت تخمینی سیزده حوزه و با ۱۵۶ نماینده انجام گرفت. در نظام نامه انتخابات دو درجه ماده ۱ تعداد نمایندگان یک صد و بیست نفر تعیین گردید و حوزه های انتخابی بر اساس جمعیت تخمینی چهل حوزه تعیین شد. در قانون مجلس شورای ملی مصوب سال یک هزار و دویست و نود ماده ۱، تعداد نمایندگان یک صد و سی و شش نفر حوزه های انتخابی با تغییر جزعی انجام گرفت. این قانون و تعیین حدود

حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان با اصلاحات کمی مبنای انتخابات در کشور قرار گرفت تا این که بعد از اصلاحات قانون اساسی و افزایش جمعیت در سال یک هزار و سیصد و پنجاه آخرین اصلاحات در تعیین حدود حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان صورت گرفت. قانون، جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی، که روز یکشنبه ۲، ۳، ۱۳۵۰ به تصویب مجلس شورای ملی و روز شنبه ۱۵، ۳، ۱۳۵۰ توسط مجلس سنا به تصویب رسید. از تاریخ تصویب این قانون (ماده واحده)، جدول تعیین حدود حوزه‌های انتخابی با ۱۷۸ حوزه انتخابی و ۲۶۸ نفری (نماینده) منضم به این قانون به جای جدول حوزه‌های انتخابیه مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ و جدول اصلاحی منضم به قانون تیر ماه ۱۳۴۶ شد.<sup>۱</sup> در این قانون تعداد نمایندگان بر پایه هر یک صد هزار نفر یک نماینده، (۲۶۸) نماینده تعیین گردید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه هر یک صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده، جمع نمایندگان مجلس را ۲۷۰ نفر را تعیین نمود. شورای انقلاب در اولین قانون انتخابات ماده ۲ و جدول ضمیمه قانون با تعیین حدود حوزه‌های انتخابی جمع حوزه‌های انتخابی را ۱۹۳ حوزه و ۲۷۰ نماینده تعیین نمود. چون تغییرات و اصلاحات قانون انتخابات سال ۱۳۵۸ بر پایه جدول حوزه‌های انتخابی سال ۱۳۵۰ صورت گرفته است، جدول مقایسه‌ای این اصلاحات و اصلاحات بعدی، بیان شفافتی را از حوزه‌بندی انتخابات ارایه می‌دهد. حوزه‌بندی قانون ۱۳۵۰ که بر اساس حروف الفبا تنظیم شده است، پایه اصلاحات حوزه‌بندی قرار گرفته است.

### ج) اصلاح حوزه‌بندی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

**یکم:** تغییرات حوزه‌های انتخابی در قانون سال ۱۳۵۸ به نسبت حوزه‌های انتخابی در قانون سال ۱۳۵۰ به شرح زیر است:

۱) تعداد حوزه‌های انتخابی از ۱۷۸ حوزه به ۱۹۳ حوزه و تعداد نمایندگان از ۲۶۸ نماینده به ۲۷۰ نماینده افزایش پیدا کرد.

۲) حوزه بنادر و جزایر خلیج فارس با پنج حوزه انتخابی و هفت نماینده، به دو استان بوشهر با سه حوزه انتخابی، دشتی و تنگستان به بوشهر اضافه شد با سه نماینده و هرمزگان با سه حوزه انتخابی و چار نماینده تغییر یافت.

۳) اصفهان با دوازده حوزه انتخابی و هفده نماینده به چهارده حوزه انتخابی و هجده نماینده تغییر یافت. کاشان از استان مرکزی منتزع و به اصفهان الحاق گردید و کاشان و فلاورجان به عنوان دو حوزه انتخابیه به اصفهان اضافه شد.

۱- قانون فوق مشتمل بر یک ماده و جدول ضمیمه پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه در جلسه روز شنبه پانزدهم خرداد یک هزار و سیصد و پنجاه شمسی به تصویب مجلس سنا رسید. دوره ۲۲ - جلد ۱۲ - صفحه ۶۳۵۳ الی ۶۳۸۰.

- ۴) خراسان با شانزده حوزه انتخابی و بیست و سه نماینده به هجده حوزه انتخابی و بیست و پنج نماینده تغییر یافت (حوزه های فریمان و طرqbه (چناران) اضافه شد).
- ۵) خوزستان با دوازده حوزه انتخابی و شانزده نماینده به سیزده حوزه انتخابی و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه شادگان به آن اضافه شد).
- ۶) سیستان و بلوچستان از چهار حوزه انتخابی و شش نماینده به شش حوزه انتخابی و هفت نماینده تغییر کرد (حوزه های خاش و سراوان اضافه شد).
- ۷) فارس از ده حوزه انتخابی و شانزده نماینده، به چهارده حوزه انتخابی و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه های سروستان، مرودشت، اقلید، سپیدان اضافه شد).
- ۸) کرمان با شش حوزه انتخابی و هشت نماینده، به نه حوزه انتخابی و ده نماینده تغییر یافت (شهر بابک، زرنند، کهنوج اضافه شد).
- ۹) گیلان با ده حوزه انتخابی با سیزده نماینده، به یازده حوزه و سیزده تغییر یافت (حوزه آستانه اشرفیه اضافه شد).

- ۱۰) مازندران با دوازده حوزه انتخابی و هجده نماینده، به پانزده حوزه و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه های بابلسر، رامیان، علی آباد کتول اضافه شد و دشت گرکان به گنبد کاوس تغییر نام پیدا کرد).
- ۱۱) زنجان با پنج حوزه انتخابی و پنج نماینده، به هفت حوزه انتخابی و نه نماینده تغییر یافت (قزوین و تاکستان از استان مرکزی جدا و به استان زنجان اضافه شد).
- ۱۲) سمنان با سه حوزه انتخابی و سه نماینده، به چهار حوزه و چهار نماینده تغییر یافت (گرمسار از مرکزی جدا و به سمنان اضافه گردید).
- ۱۳) لرستان با شش حوزه و هفت نماینده، به هفت حوزه و هشت نماینده تغییر یافت (دلفان و اشتر اضافه شد).
- ۱۴) استان مرکزی با نوزده حوزه انتخابی و پنجاه نماینده، به دو استان مرکزی با هفت حوزه و نه نماینده (خمین به حوزه های انتخابی اضافه شد) و تهران با شش حوزه و بیست و پنج نماینده تبدیل شد (قم در دور اول مجلس جزو استان مرکزی بود و برای دوره دوم، جزو استان تهران شد). شهر کاشان به استان اصفهان و گرمسار به استان سمنان و قزوین و تاکستان به استان زنجان الحاق شدند. حوزه های تهران، ری و شمیرانات، که جداگانه بودند، به صورت یک حوزه انتخابی تعیین شد.

**دوم:** در قانون تعیین حدود حوزه های انتخابی در مورخ ۱۳۶۶/۱/۳۰، سه حوزه انتخابی شادگان، لامرد، ساوج بلاغ و طالقان به جدول حوزه های انتخابی اضافه شد و تعداد حوزه های انتخابی از ۱۹۳ حوزه به ۱۹۶ حوزه افزایش پیدا کرد.



- سوم:** قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها (ماده واحده - تاریخ تصویب ۱۳۷۸، ۸، ۱۲) جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها به شرح زیر اصلاح می‌شود:
- الف - استان تهران: ۱ - تعداد نماینده حوزه انتخابیه «کرج» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد. ۲ - با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «شهریار و رباط کریم»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود: ۱ - ۲ - حوزه انتخابیه «شهریار» ۲ - ۲ - حوزه انتخابیه «رباط کریم» ۳ - با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «ورامین و پاکدشت»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود: ۱ - ۳ - حوزه انتخابیه «ورامین» ۲ - ۳ - حوزه انتخابیه «پاکدشت».
- ب - استان قم: تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه «قم» از دو به سه نفر افزایش می‌یابد و بخش خلدستان از حوزه انتخابیه «تفرش و آشتیان» از استان مرکزی منتزع و به حوزه انتخابیه قم ملحق می‌شود.
- ج - استان خراسان: ۱ - نام حوزه انتخابیه «طرقبه و چناران» به حوزه انتخابیه «چناران و طرقبه» اصلاح می‌گردد. ۲ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «بیرجند و نهبندان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۲ - حوزه انتخابیه بیرجند ۲ - حوزه انتخابیه «نهبندان و سربیشه»
- د - استان اصفهان: ۱ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «لنجان و مبارکه» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۱ - حوزه انتخابیه «لنجان» ۲ - ۱ - حوزه انتخابیه «مبارکه» ۲ - بخش «نیاسر» از حوزه انتخابیه «نطنز و قمصر» منتزع و به حوزه انتخابیه «کاشان» الحاق می‌گردد.
- ه - استان آذربایجان شرقی: یک نماینده به حوزه انتخابیه «بناب و ملکان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - حوزه انتخابیه «بناب» ۲ - حوزه انتخابیه «ملکان».
- و - استان اردبیل: یک نماینده به حوزه انتخابیه «گرمی، پارس آباد و بیله سوار» افزوده می‌شود و این حوزه انتخابیه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - حوزه انتخابیه «گرمی» ۲ - حوزه انتخابیه «پارس آباد و بیله سوار»
- ز - استان خوزستان: ۱ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «اندیمشک و شوش» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۱ - حوزه انتخابیه «اندیمشک» ۲ - ۱ - حوزه انتخابیه «شوش»
- ح - استان مازندران: ۱ - بخش‌های بندپی غربی و بندپی شرقی از حوزه انتخابیه «بابلسر» منتزع و به حوزه انتخابیه «بابل» الحاق می‌گردد. ۲ - تعداد نماینده حوزه انتخابیه «بابل» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.

- ط- استان گلستان: ۱- تعداد نماینده حوزه انتخابیه «گرگان» از یک به دو نفر افزایش می یابد.<sup>۱</sup>
- ی- استان فارس: ۱- یک نفر به تعداد نمایندگان فعلی حوزه انتخابیه «شیراز» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از سه نفر به چهار نفر افزایش می یابد.<sup>۲</sup>
- ک- استان کرمان: ۱- دهستان راویز از حوزه انتخابیه «شهر بابک و بخش هرات و مروست» منتزع و به حوزه انتخابیه «رفسنجان» الحاق می گردد. ۲- بخش «هرات و مروست» از حوزه انتخابیه «شهر بابک و هرات و مروست» منتزع و به شهرستان مهریز تابع حوزه انتخابیه «بافق و مهریز» تابع استان یزد الحاق می گردد.
- ل- استان هرمزگان: یک نماینده به حوزه انتخابیه «بندرعباس، قشم، ابوموسی و حاجی آباد» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از دو به سه نفر افزایش می یابد.
- م- استان سیستان و بلوچستان: یک نماینده به حوزه انتخابیه «زاهدان» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- ن- استان لرستان: ۲- تعداد نماینده حوزه انتخابیه بروجرود از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- س- استان یزد: شهرستان میبد از حوزه انتخابیه اردکان جدا و با شهرستان تفت به مرکزیت تفت دارای یک حوزه با یک نماینده و بافق و مهریز و ابرکوه به مرکزیت مهریز نیز دارای یک حوزه انتخابیه با یک نماینده می باشد.
- ع- استان بوشهر: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «دشتی، تنگستان، دیر و کنگان»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می شود: ۱- حوزه انتخابیه «دشتی و تنگستان» ۲- حوزه انتخابیه «دیر و کنگان»
- ف- استان چهارمحال و بختیاری: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «بروجن و لردگان» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می گردد: ۱- حوزه انتخابیه «بروجن» ۲- حوزه انتخابیه «لردگان» شامل شهر لردگان و بخش های مرکزی، فلارد و خانمیرزا.
- ص- استان ایلام: ۱- شهرستان مهران از حوزه انتخابیه «دهلران، مهران، دره شهر و آبدانان» منتزع و به حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان چرداول و ایوان» الحاق می گردد. ۲- تعداد نماینده حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان و چرداول، ایوان و مهران» از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- ق- استان کهگیلویه و بویر احمد: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «کهگیلویه و گچساران»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می گردد: ۱- حوزه انتخابیه «کهگیلویه» ۲- حوزه انتخابیه «گچساران»

۱- ۲- مناطق تابع حوزه انتخابیه گنبد کاووس به "شهرستان گنبدکاووس به استثنای بخش های آزاد شهر و رامیان شامل شهر گنبد کاووس و بخش های مرکزی و دانشلی برون" اصلاح می گردد. ۳- مناطق تابع حوزه انتخابیه "رامیان و آزاد شهر" به "بخش رامیان و بخش آزاد شهر" اصلاح می گردد.

۲- بخش مشهد مرغاب تابع شهرستان خرمیبد از حوزه انتخابیه "مرودشت، ارسنجان و بخش مشهد مرغاب" منتزع و به حوزه انتخابیه "آباد، بوانات و خرمیبد" الحاق می گردد.

به این ترتیب، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دویست و هفتاد نفر به دویست و نود نفر و تعداد حوزه‌های انتخابیه از یکصد و نود و شش، به دویست و هفت حوزه افزایش می‌یابد.

#### جدول مقایسه حوزه های انتخابی و تعداد نمایندگان به تفکیک حوزه های تک کرسی و چند کرسی

حوزه چند کرسی	حوزه تک کرسی	تعداد نماینده	تعداد حوزه	قانون
۱۳	-	۱۲۸	۱۳	نظامنامه اصنافی
۲۲	۱۸	۱۲۰	۴۰	نظامنامه دو درجه
۳۷	۱۴۱	۲۶۸	۱۷۸	قانون سال ۱۳۵۰
۳۲	۵+۱۵۶	۲۷۰	۱۹۳	قانون سال ۱۳۵۸
۳۱	۵+۱۶۰	۲۷۰	۱۹۶	قانون سال ۱۳۶۶
۳۶	۵+۱۶۶	۲۹۰	۲۰۷	قانون سال ۱۳۷۸

**چهارم:** قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی (ماده واحده هفدهم دی ماه یک هزار و سیصد و هفتاد) وزارت کشور مکلف است بدون تغییر جغرافیایی در محدوده حوزه‌های انتخابیه جز در چهارچوب مفاد تبصره ذیل قانون تعیین حوزه‌های انتخاباتی مصوب ۱۳۶۶، ۱، ۳۰ مجلس شورای اسلامی، تغییرات دیگری که بر اساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به وجود آمده یا می‌آید را در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اعمال نماید.

**تبصره-** بخش امیدیه در حوزه انتخاباتی بندر ماهشهر قرار می‌گیرد و مرکز حوزه انتخابیه برخوار و میمه مرکز شهرستان مربوط خواهد بود.

وضعیت موجود کشور در توزیع کرسیهای مجلس نشان می‌دهد، از مجموع ۲۰۷ حوزه انتخابی، ۱۶۶ حوزه به شیوه تک کرسی و یک نفر را انتخاب می‌کنند و ۳۶ حوزه انتخابی از ۲ تا ۳۰ کرسی و به شیوه جمع‌گزینی غیر حزبی، نمایندگان را انتخاب می‌نمایند و ۵ حوزه انتخابی مربوط به اقلیت‌های مذهبی نیز به صورت تک کرسی، اقدام به انتخاب نمایندگان خود می‌نمایند.

**حوزه های انتخابی ایران بر اساس قانون اصلاح حوزه های انتخابی مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۲ (۲۰۷ حوزه و ۲۹۰ نماینده)**

ردیف	حوزه ها	نظام انتخاباتی
۱	حوزه های ۳۰ کرسی (فقط تهران)(۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۲	حوزه های ۶ کرسی (تبریز)(۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۳	حوزه های ۵ کرسی(مشهد و اصفهان)(۲)	جمع گزینی غیر حزبی
۴	حوزه های ۴ کرسی(شیراز)(۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۵	حوزه های سه کرسی(اردبیل، قم، اهواز، آبادان، بندرعباس، رشت، ارومیه و کرمانشاه)(۹)	جمع گزینی غیر حزبی
۶	حوزه های دو کرسی(۲۲ حوزه)	جمع گزینی غیر حزبی
۷	حوزه های تک کرسی(۱۶۶ حوزه)	تک گزینی- اکثریتی(مطلق و نسبی)

وضع موجود حوزه های انتخابی در ایران، به ویژه در مورد مجلس شورای اسلامی، مورد انتقادات گسترده ای قرار گرفته است و کاستی ها و نارسایی های وضع موجود سبب شده است که کمتر کسی از وضع موجود دفاع نماید. برخی از این کاستی ها و نارسایی های این نوع از حوزه بندی انتخابات که در طرح نمایندگان به عنوان ضرورت استانی شدن حوزه های انتخابی مطرح شده است عبارتند از: نابرابر بودن فرصت ها در انتخاب افراد و در حوزه بندی انتخابات، افزایش هزینه های انتخابات و تعداد دواطلبان انتخابات. بی اثر یا کم اثر بودن نوع حوزه بندی انتخابات و شیوه انتخاباتی موجود در تمرین و گسترش فرهنگ حزبی. و در نهایت این که شیوه های انتخاباتی و حوزه های انتخابی موجود تامین کننده وظایف اساسی و بنیادی نمایندگان نیست. با این وجود، در ارائه پیشنهاد های جایگزین، اختلاف نظر وجود دارد.

**(د) گزینه های جایگزین**

میان حوزه های انتخابی(اعم از تک کرسی با شیوه تک گزینی و حوزه انتخابی جمعی با شیوه جمع گزینی) با نظام انتخابات، ارتباط وثیقی برقرار است. نظام های انتخابات اکثریتی تناسب بیشتری با حوزه های انتخابی تک کرسی دارند. حال آنکه در نظام های تناسبی، الگوی رایج، الگوی لیستی است و در اغلب موارد نیز لیست ها شکل بسته دارد. انتخابات صرفاً حزبی است و امکان گزینش چند کاندیدا از میان لیست های متعدد برای رأی دهندگان مقدور

نیست. از طرف دیگر، بین تعداد کرسی های پارلمان و جمعیت رای دهنده نسبتی برقرار است. اما خلاء نسبت بین نماینده و جمعیت رای دهنده در قانون اساسی جمهوری اسلامی و حتی قانون عادی مشهود است و معلوم نیست که با وجود ۷۵ میلیون نفر جمعیت کشور و ۲۹۰ نماینده، هر نماینده از طرف چه تعداد جمعیت انتخاب می شود.

### حوزه انتخابی چند کرسی

تعیین حوزهای انتخابی به صورت بیشتر از یک کرسی یا چند کرسی، به دو شکل قابل تعریف است. یکی کشورحوزه ای و دیگری حوزه های انتخابی استانی.

#### ۱- کشور حوزه ای

حوزه انتخابی کشورحوزه ای، یعنی کل کشور به صورت یک حوزه انتخابی تعیین شود. این گزینه همان طور که گفته شد، برای انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان اقلیت های مذهبی در کشور اجرا می شود. ولی به سبب جمعیت زیاد کشور و تعداد زیاد نمایندگان (۲۹۰ نفر)، انتخاب همه نمایندگان به شیوه جمع گزینی غیرحزبی امکانپذیر نیست و شمارش آرای داوطلبان نیز امکان اجرا ندارد. در مبحث حوزه های انتخابی و نظام های انتخاباتی گفته شد که شیوه جمع گزینی حزبی و نظام های انتخاباتی تناسبی با شیوه لیست بسته با نظام انتخاباتی ایران، که نظام اکثریتی مطلق و نسبی است، تناسب ندارد و از طرف دیگر، نظام های جمع گزینی لیستی بر پایه نظام های سیاسی حزبی است که به لحاظ حقوقی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن جهت که انحصار حزبی را نپذیرفته است مغایرت دارد. این نوع نظام انتخاباتی با اصل ۲۶ قانون اساسی که بیان می دارد "حزب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی... آزادند،... هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت" مغایرت دارد. چرا که انتخابات با نظام انتخاباتی تناسبی و لیست بسته حزبی به معنای مجبور کردن افراد به انتخاب یکی از احزاب است. به علاوه و مهمتر این که، به لحاظ بزرگی وسعت و جمعیت زیاد کشور و تعداد زیاد کرسی های نمایندگی، اجرای این الگو در کشور عملاً غیر ممکن است.

#### ۲- حوزه های انتخابی استانی

حوزه انتخابی استانی، یعنی حوزه های انتخابی کشور بر مرزهای اداری استان منطبق شود.

۱ - طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی نخستین بار در تیرماه سال ۱۳۷۸ توسط برخی از نمایندگان محترم مجلس دوره پنجم مطرح شد و برای دومین بار تعدادی از نمایندگان محترم مجلس ششم آن را در خرداد ۱۳۸۱ تقدیم مجلس کردند. در مقدمه این طرح مهم ترین دلایل ضرورت ارائه آن چنین ذکر شده است: پرداختن نمایندگان مجلس به انجام وظایف اصلی قانون گذاری و نظارت و پرهیز از امور جزئی، تقلیل نامزدهای انتخاباتی، گرایش انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به سمت جریان های فکری و سیاسی، جلوگیری از بروز اختلاف بین شهرهایی که مشترکاً دارای یک نماینده هستند، کاهش هزینه های انتخاباتی، حذف رقابت های شدید و خشونت زا مبتنی بر مسائل قومی، قبیله ای و ...

در حال حاضر، انتخابات مجلس خبرگان رهبری به این شیوه در کشور اجرا می شود. هدف از این طرح، رفع ایرادات و کاستی های موجود در حوزه های انتخابی است. این کاستی ها بدین صورت مطرح شده است:

۱- **پرداختن نمایندگان به وظایف اصلی خود:** وظیفه اصلی نمایندگان، قانون گذاری و نظارت است، اما نمایندگان شهرستان مجبورند به امور جزئی و کلی بسیاری از رأی دهندگان خود بپردازند و عملاً از کار اصلی خویش باز می مانند. مثلاً بسیاری از کارها که جزء وظایف شوراهاست، نماینده انجام می دهد. شیوه جمع گزینی مبتنی بر مرزهای استانی باعث می شود که نماینده از قید توقعات ایجاد شده در حوزه انتخابیه رها شود، زیرا مجبور نیست که صرفاً نماینده خواست های طیف خاص محدودی باشد که برای او رأی جمع کرده اند و بدین وسیله، مجبور نیست از اختیارات و وظایف خود برای کارهایی استفاده کند که در حوزه وظایف و اختیارات «نماینده» نمی گنجد. نکته این است که برخی از این درخواست ها، هر چند قابل دفاع هستند، اما از زاویه کار نمایندگی بیشتر به مطالبه شبیه اند، مثلاً تهیه کود شیمیایی، افزایش سهمیه آرد تعاونی و مانند اینها.

۲- **برگزیده شدن نمایندگان اصلح و متخصص به جای نمایندگان صرفاً خوش نام و «مردم دار».** بسیاری از انتخاب هایی که در محیط کوچک و محدود انجام می شود، مبتنی بر تعلقات قومی، مناسبات قبیله ای، خونی و مانند اینها است. در این مناطق، مردم کمتر در مورد شعور سیاسی و تخصص داوطلبان چند و چون می کنند. در بسیاری از موارد یک نماینده صرفاً به اعتبار قوم یا شان تباری خود به مجلس راه یافته است. این امر، البته به صورت مجرد امر نکوهیده ای نیست، بلکه هنگامی قابل سرزنش است که کاندیدای اصلح به لحاظ تخصص و بیش سیاسی وجود داشته باشد، اما به خاطر نداشتن تعلقات قومی یا منطقه ای خاص، از انتخاب شدن باز می ماند. شیوه جمع گزینی استانی می تواند راهی مناسب برای رفع این نقیصه به حساب آید.

۳- **گسترش فرهنگ حزبی و اندیشه حزب:** استانی شدن، در واقع نوعی تمرین و تمهیدی برای گسترش فرهنگ حزبی، اندیشه حزب و مشارکت حزبی است. به عبارت دیگر، مردم در جریان یک انتخاب فراگیرتر، نحوه رفتارهای جدید انتخاباتی و حزبی می آموزند و این امر پایه ای برای ایجاد احزاب مختلف خواهد شد.

۴- **کاهش هزینه ها و تعداد داوطلبان انتخابات:** با شیوه جمع گزینی یا حوزه های انتخابی استانی، به جای صرف هزینه های انتخاباتی برای حوزه های مختلف می توان با انجام یک انتخاب فراگیر هزینه برگزاری انتخابات را کاهش داد. افزون بر این با این طرح تعداد نامزدهای انتخاباتی نیز کاهش خواهد یافت.

۵- **کاهش رقابت های خشونت بار و اختلاف برانگیز:** با حوزه های انتخابی استانی به

خاطر فاصله گرفتن از تعلقات قومی، منطقه‌ای و مانند آن، امکان درگیری و اختلاف به طور محسوسی کاهش خواهد یافت. در بسیاری از مناطق، نزاع بر سر این است که چرا نماینده از فلان منطقه یا فلان قوم برگزیده شده است. در واقع، این تصور غالب وجود دارد که آن نماینده، نماینده همه مردم نیست، بلکه نماینده منافع آن منطقه یا طایفه خاص است. بنابراین، در جریان انتخابات که گاه شاهد درگیری‌های خونبار هستیم، در صورتی که استانی شدن حوزه‌های انتخابی به انجام رسد، با توجه به این که تکیه بر تعلقات قومی به حداقل می‌رسد، امکان منازعه و درگیری قومی - منطقه‌ای نیز کاهش می‌یابد.

۶- شرایط فعلی نه تنها به گسترش دمکراسی کمک نکرده است، بلکه دمکراسی را به توقعات قومی و محلی تقلیل داده است. به نظر می‌رسد که استانی شدن حوزه‌های انتخابیه با ایجاد بستری برای تحزب می‌تواند بستر مناسب‌تری برای استقرار دمکراسی کارآمدتر فراهم کند.

#### ه) امکان سنجی حوزه‌های انتخابی و سرانجام سخن

انطباق حوزه‌های انتخابی مجلس شورای اسلامی بر مرزهای اداری استان، به معنی تقسیم حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های چندکرسی و حذف حوزه‌های تک کرسی است. چون «محدوده حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.»<sup>۱</sup> به لحاظ حقوقی با قانون اساسی مغایرت ندارد. به علاوه می‌توان ادعا کرد، با توجه به این که «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند» (اصل شصت و چهار قانون اساسی)، این گزینه با ساز و کار پیش بینی شده در قانون اساسی منطبق است.

از حیث ارتباط حوزه‌های انتخابی و نظام انتخابات، این نوع از حوزه بندی انتخابات با دو نظام انتخاباتی، یکی جمع‌گزینی غیرحزبی، دیگری نظام انتخاباتی تناسبی (لیست بسته یا لیست باز حزبی)، امکانپذیر است. اما هر دو شیوه در ایران با مشکلات جدی مواجهاند. انتخابات با حوزه بندی استانی و شیوه جمع‌گزینی غیرحزبی، به ویژه در حوزه‌های بیشتر از چهار کرسی، هم برای رای دهندگان بویژه مناطق روستایی مشکل است و هم برای شمارش آرا در این حوزه‌ها. درحقیقت، به معنی انتقال مشکلات ناشی از شمارش آرا در تهران (سی) نماینده با بیش از دویست داوطلب) به سایر استان‌ها است. حوزه انتخابی استانی با نظام انتخابات تناسبی اعم از لیست بسته و لیست باز همان گونه که قبلاً گفته شد نیز، به سبب ایجاد انحصار حزبی با قانون اساسی مغایرت دارد.

نکته مهمتر نسبت بین حوزه بندی انتخابات و کارآمدی مجلس و نمایندگان است که در دلایل برتری این گزینه مطرح شده است. همان گونه که گفته شد، حوزه بندی انتخابات

۱- اصل شصت و چهار قانون اساسی.

بر اساس سه عامل تعداد نمایندگان، جمعیت کشور و نظام انتخاباتی است. حال آنکه، کارآمدی مجلس و نمایندگان به عواملی غیر از عوامل موثر بر حوزه های انتخابی بستگی دارد. بنابراین، نمی توان ارتباط معناداری بین کارآمدی و یا عدم کارآمدی نمایندگان با حوزه بندی انتخابات برقرار کرد. ناکارآمدی نمایندگان را باید در ظرفیت ها، صلاحیت های تخصصی و نداشتن عقبه کارشناسی و پشتیبانی کارشناسی و حزبی جستجو نمود (حال آنکه، در بسیاری از مجالس قانون گذاری دنیا، هر نماینده تعدادی کارمند دارد). در بسیاری از مجالس قانون گذاری، پشتیبانی کارشناسی برای نمایندگان توسط حزب صورت می گیرد و نمایندگان نیز وفادار به مواضع حزب خود هستند. به علاوه، به هر میزان که حوزه انتخابی بزرگتر و دارای جمعیت بیشتر باشد، درجه نمایندگی نیز کاهش می یابد.

از حیث اجرایی، انطباق حوزه های انتخابی بر مرزهای استانی، اختلافات مذهبی و قومی را با توجه به ترکیب جمعیتی کشور و ترکیب جمعیت استانی افزایش می دهد و وحدت و همبستگی ملی را دچار آسیب جدی خواهد کرد.

در حال حاضر، ممکن است در هر انتخابات، اختلافها و شکافهای قومی و مذهبی در سطحی خرد (شهرستان) به وجود آید و سریع هم در همبستگی ملی جذب می شود. با حوزه بندی استانی انتخابات با نظام انتخابی جمع گزینی غیرحزبی، این اختلافها و شکافها به سطحی بالاتر منتقل و عمیقتر خواهد شد. قطعاً جذب آنها در همبستگی ملی نیز سخت تر خواهد بود. اگر اختلافات مذهبی خرد در سطح شهرستان های جداگانه در استان های سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان، خراسان جنوبی و گلستان و اختلافات قومی عرب و لر در خوزستان، ترک و کرد در آذربایجان غربی، شیرازی و عشایر در فارس، به سطح بالاتری یعنی استان منتقل شود، معلوم نیست همبستگی اسلامی - ایرانی چه آسیب هایی خواهد دید. بحث اختلافات و شکاف های قومی و مذهبی و نسبت آنها با همبستگی ملی را می توان به یک تشمت آب و قند تشبیه نمود. در یک تشمت آب، هرچه حبه های قند ریزتر و یا به صورت شکر درآید جذب آن در آب هم آسانتر و هم زودتر صورت می گیرد، ولی هرچه قند درشت تر و یا کله قند باشد، جذب آن در آب دیرتر و سخت تر خواهد بود. نسبت همبستگی و وحدت ملی و شکاف های قومی و مذهبی نسبت بین قند و تشمت آب است. بنابراین، اجرای انتخابات منطبق بر مرز استانی با چالش های جدی مواجه است.

به علاوه استانی شدن حوزه های انتخابی به شکاف سیاسی - اقتصادی مراکز استان و شهرستان ها دامن می زند، زیرا نماینده در بسیاری از مواقع ناچار است به خواست مراکز استان ها (به واسطه حساسیت این مراکز) توجه کند و این امر، توزیع عادلانه امکانات، بودجه و فرصت ها در سایر مناطق استان را با تهدید رو به رو می کند. این شکاف صرفاً اقتصادی و



سیاسی نیست، بلکه می‌تواند نوعی شکاف مفهومی و تصویری هم باشد. بدین معنا که مردم تصور می‌کنند که مراکز استان‌ها از امکاناتی بهره‌مندند که آنها از آن محروم هستند. این امر می‌تواند به علاقه برخی شهرستان‌ها برای تبدیل شدن به مرکز استان، دامن بزند و از زاویه دیگر، باعث تنش و اختلاف فراگیرتری نسبت به گذشته شود.

همچنین، اگر یکی از شاخص‌های انتخابات، مشارکت گسترده مردم باشد، انطباق حوزه‌های انتخابی با مرزهای استانی، کاهش مشارکت سیاسی مردم را در پی خواهد داشت. واقعیت آن است که رابطه سنتی مراکز استان با شهرستان‌ها در بسیاری از موارد توأم با اعتراض و تنش بوده است. اینکه نماینده‌ای، نماینده تمام استان باشد، موجب کاهش انگیزه لازم برای مشارکت بسیاری از مردم شهرستان‌ها، روستاها و مناطق حاشیهای، دست کم در کوتاه مدت خواهد شد. آنچه بسیاری از مردم مناطق و شهرستان‌ها را به سمت مشارکت می‌کشاند، شناخت چهره به چهره، تعلقات صنفی، محلی و ملموس است. به نظر می‌رسد، استانی شدن حوزه‌های انتخابی، مردم شهرهایی را که جمعیتی کم‌تر از جمعیت مراکز استان‌ها دارند و از لحاظ پراکندگی جغرافیایی در سطح وسیع‌تری قرار گرفته‌اند، به نوعی انفعال و بی‌تفاوتی دچار کند. در واقع، همانند تقسیم شهروندان به شهروندان درجه یک و دو، در اینجا هم مناطق به درجه یک (مراکز استان) و درجه دو (شهرستان و ...) تقسیم می‌شوند و عملاً عده‌ای از مشارکت در سرنوشت سیاسی خود باز می‌مانند.

آنچه از روح کلی حاکم بر قانون اساسی بر می‌آید، وظیفه نماینده، علاوه بر قانون گذاری و نظارت، «نماینده‌گی» است. هر چند در قانون گذاری و نظارت نیز مسئله نمایندگی مستتر است. بنابراین، این استدلال که وظیفه نماینده صرفاً قانون گذاری و نظارت است و این قانون گذاری و نظارت معطوف به مسائل «ملی» و کلان کشور است، تمامی مسئله نیست. بر اساس تحقیقات انجام شده، در اغلب قوانین کشورها، نماینده در برابر حوزه انتخابیه خود مسئول است و حتی برخی از محققان («وظیفه نمایندگی» را بر سایر وظایف ارجحیت داده‌اند. دیوید. ام. وود (David M. Wood)، که در زمینه رابطه بین قانون گزاران و حوزه نمایندگی، پژوهش‌های متعددی انجام داده است، خدماتی را که نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه خود ارائه می‌دهند، به دو دسته تقسیم می‌کند: خدمات ارائه شده به افراد و خانواده آنها و خدمات ارائه شده به حوزه‌های انتخابی به صورت کلی. در دسته اول، وظیفه نماینده ایجاب می‌کند با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله استفاده از مراجع محلی، منطقه‌ای و ملی، مشکلات و نیازهای افراد حوزه انتخابیه را برطرف کند یا دست کم افراد را در جریان سیاست‌های مختلف قرار دهد و اقداماتی را که برای رفع مشکل انجام داده است، به سمع و نظر آنها برساند. در دسته دوم، وظیفه نماینده آن است که برای نفع و رفاه هماهنگی مناطق خود با سنجدن جوانب امر، از هیچ کوششی فروگذار نکند. به زعم این نویسنده، در اغلب کشورهای پارلمانی، وظیفه‌ای با

عنوان «وظیفه نمایندگی» بر عهده نمایندگان گذاشته شده که بر اساس آن، نماینده باید به ارائه خدمات بپردازد. وود می نویسد: «خدمات مربوط به نمایندگی مستلزم تلاش قانون گذار در جهت توجه به مشکلات و نیازهای افراد و وابستگان آنها یا گروه‌های وسیع قومی در حوزه انتخابی نماینده است».

نکته این است که چه کسانی باید مسائل و مشکلات حوزه‌های انتخابی محلی را حل کنند؟ «پاسخگویی در برابر رأی دهندگان»، در این میان چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ آیا احداث پل و جاده و حل کردن بخشی از مشکلات اقتصادی مردم در محدوده «توقعات بیجا» قرار دارد یا از جمله حقوق مردم در حوزه‌های انتخابیه است که می‌تواند برای استیفای آن از نماینده توضیح بخواهند یا در دور آینده به او رأی ندهند.

از حیث قواعد مردم سالاری و درجه نمایندگی، هر چه مناطق و محدوده‌های کوچک‌تر بتوانند در مورد سرنوشت سیاسی خود تصمیم بگیرند، دموکراسی عمق بیشتری یافته و هرچه فرآیند تصمیم‌گیری و قانون گذاری منافع و خواست‌های لایه‌های اجتماعی بیشتری را پوشش دهد، به دموکراسی آرمانی نزدیکتر شده‌ایم. نوع ایده‌آل دموکراسی در نظر بسیاری از نظریه‌پردازان دموکراسی اعم از کلاسیک و معاصر، معمولاً دموکراسی مستقیم است، اما این نوع دموکراسی، امکان عملی ندارد (به جز چند استثنا از جمله کانتون‌های سوئیس که مردم بدون واسطه و نماینده در مورد مسایل مهم تصمیم‌گیری می‌کنند). باید کوشش کرد که دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، دیدگاه‌ها و خواست‌های تعداد بیشتری از افراد را منعکس کند. از سوی دیگر، یکی از پایه‌های اساسی دموکراسی احترام به حقوق اقلیت‌ها، حاشیه‌نشین‌ها، دور افتادگان و مانند آنها است. در این صورت، هر چه حوزه‌های نمایندگی را وسعت بخشیم و از قاعده فاصله بیشتری بگیریم، دموکراسی کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

در باره کاهش تعداد نامزدها و مطلوبیت آن چند و چون بسیاری می‌توان کرد، اما مسأله این است که کدام معیار و شاخص نشان می‌دهد که تعیین حوزه‌های انتخابی منطبق بر مرز اداری استان باعث کاهش تعداد نامزدهای انتخاباتی می‌شود؟ می‌دانیم که شرایط داوطلبان مجلس همانند شرایط داوطلبان ریاست جمهوری به هنگام ثبت نام، شرایط سهلی است (نظیر داشتن شرایط سنی و حد خاصی از آموزش)، با این وصف، چه دلیلی وجود دارد که تعداد نامزدها کاهش یابند؟ بسیاری از کشورها به خاطر کاهش تعداد نامزدهای انتخاباتی تمهید دیگری اندیشیده‌اند که در مبحث بعدی بررسی خواهد شد. برای مثال، به هنگام ثبت نام داوطلبان، مبلغی از آنها می‌گیرند تا اگر حد نصاب متعارف رأی را نیاورند (مثلاً یک دهم، یک ششم، یک سوم کل آراء) مبلغ امانی به نفع دولت ضبط شود. یا تعدادی از واجدین شرایط فرد داوطلب را باید هنگام ثبت نام تأیید کنند. این امر به خاطر آن است تا افرادی که به

منظور مشهور شدن یا دلایلی از این قبیل، به رغم آنکه می‌دانند در انتخابات برنده نمی‌شوند داوطلب شوند، از این تصمیم منصرف کنند. متأسفانه این ساز و کارهای اساسی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است و امکان این که افراد بیشتری داوطلب شوند، همیشه وجود دارد، نمونه آن در انتخابات ریاست جمهوری مشهود است.

در مورد کاهش هزینه‌های تبلیغاتی نیز وضعیت به همین گونه است. به عبارت دیگر، هیچ معیار و شاخصی وجود ندارد که نشان دهد با جمع‌گزینی، هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کنند. بلکه عکس آن صادق است. تصور کنید فردی که در شرایط موجود در یکی از حوزه‌های انتخابی استان فارس، مثلاً آباده داوطلب نمایندگی می‌شود، تبلیغات داوطلب صرفاً در محدوده جغرافیایی آباده است و هزینه‌های تبلیغاتی او نیز به نسبت تبلیغات او در همین شهرستان است، اما اگر همین داوطلب بخواهد در سطح استان، یعنی بیست و پنج شهرستان نظیر آباده تبلیغ کند، با توجه به گستردگی شهرستان‌ها، مسافت بین آنها و گستردگی و پهناوری استان قطعاً هزینه‌های انتخابات چند برابر خواهد شد.

البته، باید یادآور شد که در قوانین انتخاباتی ایران، بر خلاف بسیاری از دیگر کشورها، محدودیتی در زمینه هزینه انتخاباتی وجود ندارد و راه صحیح کاهش هزینه‌های انتخاباتی، اصلاح قانون انتخابات و ایجاد محدودیت‌هایی در این زمینه است. نه جمع‌گزینی و گسترده کردن حوزه انتخابی.

نماینده مجلس اساساً دو ویژگی مهم دارد. ۱. محلی بودن ۲. ملی بودن. این دو ویژگی بر حسب اینکه کشور دارای نظام بسیط یا فدرال است، وضعیت متفاوتی پیدا می‌کند. بر اساس اصول قانونی اساسی، ایران دارای نظام بسیط است. استانی شدن انتخابات در واقع وصف محلی بودن را از نماینده می‌گیرد و مجلس را به نحوی به مجالس به اصطلاح سنا نزدیک‌تر می‌کند. بی‌آنکه ساز و کارهای لازم را برای این کار داشته باشد و یا نظام بسیط کشور، اجازه این کار را بدهد. مهمتر این که، کسانی می‌توانند در انتخابات استانی موفق شوند که بتوانند امکانات بیشتری را تجمیع و بسیج کنند. کسب این امکانات اغلب در گرو وابسته بودن به مراکز قدرت، پول و جناحی خاص است. بی‌تردید، افرادی که توانایی مالی و جناحی ندارند، در این میان بازنده خواهند بود. با این وصف، افراد مستقل، نمایندگان اقلیت‌های سیاسی و قومی و چهره‌های نامشهور، عملاً امکان انتخاب شدن را از دست می‌دهند.

### حوزه‌های انتخابی تک‌کرسی

تک‌نماینده شدن حوزه انتخابی، بدین معنا است که برای هر یک از حوزه‌های انتخابی، یکی از کرسی‌های پارلمان منظور شده باشد و نامزدها در هر حوزه، برای تصاحب یک کرسی به رقابت بپردازند و رأی‌دهندگان از میان نامزدهای هر حوزه، فقط به یک نفر رأی

دهند. این الگوی رأی دهی به الگوی تک نام نیز مشهور است. در ممالکی که کشور به حوزه های کوچک تک نماینده ای تقسیم می شود، الگوی تک گزینه ای یا تک نام رایج است. به عنوان مثال، در کشور انگلستان برای اهداف انتخاباتی مجلس عوام، کل کشور به ۶۷۰ حوزه انتخابیه تک عضوی تقسیم می شود و شرکت کنندگان از میان نامزدهای هر حوزه یک نفر را انتخاب می کنند. نامزدی که بیشترین آراء را به خود اختصاص دهد، منتخب شمرده می شود. در کشور فرانسه نیز در انتخابات ریاست جمهوری، مجالس قانون گذاری و شوراهای عمومی انتخابات به روش تک گزینه ای انجام می شود.

مطابق اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه آحاد ملت از حقوق یکسان برخوردارند و از جمله این حقوق، برابری رأی در انتخاب است. لذا این سوال مطرح است که، چرا در ۱۶۸ حوزه انتخابی، مردم هر حوزه صرفاً باید یک نفر را انتخاب کنند ولی مردم در ۳۶ حوزه انتخابی بیش از دو نفر و مردم تهران بتوانند سی نفر را انتخاب نمایند؟ ممکن است پاسخ داده شود معیار تعیین حوزه های انتخابی جمعیت است و جمعیت شهری مثل تهران قابل مقایسه با شهرهای کوچک نیست و اگر نماینده این جمعیت زیاد برابر با تعداد نمایندگان حوزه های انتخابی کوچک باشد، خلاف عدالت است. اما باید توجه داشت که قانون اساسی "ایجاد امکانات و فرصت عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی را از وظایف دولت بر شمرده است.<sup>۱</sup> از جمله فرصت های عادلانه، فرصت انتخاب است. بر اساس حوزه های انتخابی موجود، این فرصت به طور عادلانه و یکسان در اختیار همه آحاد ملت نیست. برای ۱۶۸ حوزه انتخابی هر فرد فرصت انتخاب یک نفر را دارد و حال آنکه یک فرد در تهران فرصت انتخاب سی نفر را دارد. به علاوه متعلق حق، فرد است نه جمعیت. لذا بیشتر بودن جمعیت سبب بیشتر شدن حق افراد نمی شود. جمعیت بیشتر می توانند نمایندگان بیشتر داشته باشند نه اینکه هر یک از افراد آن جمعیت فرصت و حق انتخاب بیشتر را داشته باشند. می توان جمعیت را به گونه ای حوزه بندی نمود تا هم جمعیت بیشتر، نمایندگان بیشتری داشته باشند و هم امکانات عادلانه و فرصت یکسان برای آحاد ملت در حق رأی برابر برای انتخاب فراهم شود. بر این اساس، تعریف حدود حوزه انتخابی بر اساس مرزهای اداری استان، از حیث ناعادلانه بودن امکانات و فرصت حق رأی با وضع موجود تفاوتی ندارد.

#### ۱- امکان سنجی حوزه های انتخابی تک کرسی

بر اساس قانون اساسی، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.<sup>۲</sup> همان گونه که تشریح شد، در مورد مجلس شورای اسلامی

۱- اصل سوم قانون اساسی بند نهم.

۲- الف) اصل شصت و دوم قانون اساسی در مورد نمایندگان مجلس (ب) اصل یکصد و یکم قانون اساسی در مورد شوراهای اسلامی اشعار می دارد: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخابات و نظارت شوراهای

و مجلس خبرگان رهبری، الگوی ترکیبی انتخاب فردی (تک‌گزینی) و الگوی جمعی (چند‌گزینی) عمل می‌شود. آن چه مسلم است، تعریف جدید از حوزه‌های انتخابی با منع قانونی روبرو نیست و می‌توان از شیوه‌های مرسوم قانونی (طرح یا لایحه) اصلاح قانون انتخابات، از جمله حوزه‌های انتخابی را باز تعریف کرد.

از حیث اجرایی نیز در حال حاضر، انتخابات ریاست جمهوری و در برخی از حوزه‌های انتخابیه مربوط به مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، به شیوه تک‌گزینی عمل می‌شود. بنابراین، از نظر اجرایی، شیوه‌ای ناشناخته و مبهم نیست. آنچه مهم است اجرای این الگو نیز مانند هر الگوی دیگر به الزامات و لوازمی نیاز دارد که علاوه بر رفع موانع قانونی، فراهم نمودن آنها ضروری است.

طرح اصلاح حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های تک‌گزینی دارای سابقه است. یک بار در زمانی که شورای انقلاب اولین قانون انتخابات جمهوری اسلامی را در دست تدوین داشت، بحث‌های زیادی را برانگیخت (سائلی دهکرده، ده ص ۲۷۸)<sup>۱</sup>. یک بار نیز در مجلس شورای اسلامی دوره هفتم، اصلاح حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های تک‌نماینده و با روش تک‌گزینی مطرح شد.<sup>۲</sup> از ضروریات تک‌گزینه‌ای شدن انتخابات، تقسیم حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های کوچک با تراکم جمعیت مساوی است.

تقسیم کشور به حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی، موجب می‌شود که بین رأی دهندگان و انتخاب‌شوندگان (نامزدهای انتخابات) نزدیکی بیشتری احساس شود و هر شهروند بهتر بتواند از ابعاد فکری و روش سیاسی و شخصیت داوطلب اطلاعاتی کسب کند. مضافاً اینکه، پس از انتخابات، رفتار سیاسی نماینده، توسط مردم قابل‌بازبینی و کنترل است. الگوی تک‌گزینی در مقایسه با چند‌گزینی این امکان را به رأی‌دهنده می‌دهد تا با شناخت بهتر از نامزدها، نسبت به شایستگی آنها داوری نموده و با تأثیرپذیری کمتری از احزاب، تبلیغات و افراد صاحب نفوذ و با آزادی به نامزد شایسته و مورد نظر خود رأی دهد.

الگوی تک‌گزینی به دلیل اقتضائات آن، از جمله شناخت نسبتاً کافی رأی‌دهندگان

مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.» (ج) اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم گذاشته شده است و در اصل یکصد و هشتم، در مورد نحوه انتخاب خبرگان؛ ضوابط و مقررات آن چنین آمده است. «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخابات آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

۱- طبق تصمیم شورای انقلاب در جلسه یکشنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۵۸ قرار شد که تهران برای انتخابات مجلس شورای اسلامی به مناطق مختلفی تقسیم (۲۴ منطقه) و هر منطقه یک نماینده در مجلس داشته باشد. ولی این تصمیم در جاسه مشترک هیات وزیران و شورای انقلاب لغو گردید.

۲- رک مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، سال ۱۳۸۵.

از نامزدها، باعث می شود که نامزدهایی در حوزه های انتخابیه وارد رقابت انتخاباتی شوند که آشنا به مسایل محلی بوده و شهروندان از آنها شناخت کافی دارند، پس در آینده بهتر می تواند به مسائل حوزه انتخابی خود رسیدگی کند.

## ۲- سامان دهی جامعه رای دهنده<sup>۱</sup>

حوزه بندی انتخابات به صورت تک کرسی، این امکان را می دهد که به ارزشیابی و تخمین نسبتاً دقیق جامعه رای دهنده در هر حوزه دست یافت و با دقت بیشتری قبل از رأی گیری، فهرست جامعی از کسانی که طبق قانون حق رأی دارند، تهیه کرد. بدین وسیله، از جا به جایی بی رویه رای دهندگان و برخی از تقلبات انتخاباتی جلوگیری کرد.

برگزاری انتخاباتی منصفانه و عادلانه، لازمه اش در اختیار داشتن آمار صحیح از جمعیت رای دهندگان کل کشور و هر یک از حوزه های انتخابی به تفکیک است. هم اکنون، سرشماری های عمومی در ایران با فاصله نسبتاً طولانی صورت می گیرد و آمار دقیقی از تراکم جمعیت کشور، مهاجرت های روستا به شهر و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر در دست نیست.

حوزه های انتخابی تک کرسی، لازمه اش در اختیار داشتن آمار جمعیت به صورت دقیق است. آگاهی نسبتاً دقیق از آمار، جمعیت و تراکم آن، اطلاعات دقیق و به روز از میزان مرگ و میر و مهاجرت و ثبت نقل و انتقالات انسانی، دستگاه های ذیربط را وادار می کند که امر سرشماری جمعیت و گردآوری اطلاعات لازم را جدی گرفته و به طور مرتب انجام دهند. این امر، علاوه بر در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم برای انتخابات و ساماندهی شعب

۱- در بسیاری از کشورها مانند سوئیس، نروژ، لوکزامبورگ و ایسلند، حوزه انتخاباتی بر اساس برش تقسیمات اداری کشور انجام می گیرد و با آن منطبق است. بویژه هنگامی که در متن قانون اساسی اصول حوزه بندی درج شده باشد. البته این شیوه ای نسبتاً مطمئن و غیرقابل دستکاری است. زیرا اختیار را از ید حکومت زمامداران خارج می کند. لکن از آنجا که به سهولت قابل تغییر نیست، نوعی سختی و انعطاف ناپذیری در آن راه می یابد و چون جمعیت در درون تقسیمات اداری یا بسبب مهاجرت پذیری از نقاط دیگر یا مهاجرت فرستی به حوزه های دیگر، افزایش یا کاهش می پذیرد، «برابری نمایندگی» از میان می رود و لذا گاهی بزبان یک حوزه یا بنفع آن تمام می شود. به همین علت است که برش های حوزه ای، منظمآ مورد تجدید نظر قرار می گیرند. در ایالات متحده آمریکا، قوه مقننه ایالات، بعد از هر سرشماری، صلاحیت دارند به تجدید نظر در حوزه های انتخاباتی بپردازند. یعنی رئیس جمهوری بعد از انجام سرشماری، گزارشی در خصوص تعداد نمایندگان هر ایالت به کنگره ارسال می دارد و آنگاه مجالس ایالتی مقننه درست بکار برش های جدید حوزه ها می زنند. در تعدادی از کشورها نظیر بریتانیا، استرالیا، هند و ژلاندنو، انجام حوزه بندی در صلاحیت سازمان هائی است فنی که هم از مجریه و هم از مقننه مستقل باشد. در آلبانی، بلغارستان، لهستان، چک و سلوکی و شوروی، هیات رئیسه و شورای دولت، عمل حوزه بندی انتخابات را دو ماه پیش از تاریخ اجرای انتخابات انجام می دهند. در آلمان فدرال (کمسیون دائمی حوزه بندی) مرکب از رئیس دفتر فدرال آمار، یک نفر قاضی دادگاه اداری فدرال و پنج عضو که توسط رئیس جمهوری معین می شوند، این مهم را بر عهده دارد. وجود قضات یا کارشناسان فنی، عامل مؤثری برای بی طرفی در امر حوزه بندی است.

و حوزه‌های اخذ رای، برای اهداف دیگر نیز بسیار مفید است. در برخی کشورها، علاوه بر نهادهای رسمی که آمار دقیق جمعیت و پراکندگی جغرافیایی آن را در اختیار دارند، موسسات پژوهشی دیگر نیز وجود دارد که به طور هفتگی، ماهانه، سالانه، فاکتورهای مختلف اقتصادی و از جمله تغییرات جمعیتی چون مهاجرت، مرگ و میر، جابجایی و غیره را رصد می‌کنند.<sup>۱</sup> سرشماری مداوم جمعیت علیرغم محاسن فراوانی که دارد، نیازمند برنامه، سازمان و صرف هزینه‌های زیاد است. حال آنکه، اطلاعات مربوط به جمعیت نه تنها برای انتخابات، بلکه برای هرگونه برنامه ریزی دیگر نیز ضروری است.

### ۳- هزینه‌های انتخاباتی

کوچک شدن حوزه‌های انتخابی به تبع حوزه‌های انتخابی تک کرسی، باعث می‌شود که هر کاندیدا در محدوده مشخصی دست به تبلیغ بزند. بنابراین، اولاً: هزینه‌های تبلیغات بطور طبیعی کاهش می‌یابد. ثانیاً: به دلیل محدود شدن حوزه فعالیت و تبلیغ هر کاندیدا، امکان وضع قواعد برای هزینه‌ها، نظارت و رسیدگی به تخلفات تبلیغاتی و دیگر تخلفات انتخاباتی و اجرای آن فراهم می‌شود.

نظارت، حفاظت و اجرای انتخابات و همچنین، شمارش آراء و اعلام نتایج آن با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. برخی معتقدند کوچک شدن حوزه انتخابی، نتیجه‌اش افزایش تعداد حوزه‌هاست. به عنوان مثال، در شهری مثل تهران که یک حوزه انتخابی محسوب می‌شود، باید به سی حوزه تقسیم شود. و این فرایند به افزایش هزینه‌های نظارت، اجرا و برگزاری انتخابات می‌انجامد. حال آنکه، چنین استدلالی با واقعیات منطبق نیست. چرا که هزینه‌های نظارت و اجرای انتخابات، متوجه شعب اخذ رای است و شعب اخذ رای، به نسبت جمعیت هر محله شهری یا روستا تعیین می‌شود که در هر انتخاباتی، اعم از انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و یا مجلس شورای اسلامی، یکسان است. بنابراین، فقط مدیریت حوزه‌های کوچک است که تفکیک می‌شود و هزینه ناچیز مدیریت انتخابات در این حوزه‌ها، به نسبت دستاوردهای آن قابل قیاس نیست.

۱- موسسه یوروبارومتر یکی از این موسسات است که در کل کشورهای اروپایی چنین اطلاعاتی را که گردآوری می‌کند.

**۴- حوزه های انتخابی ترکیبی**

در حال حاضر، حوزه بندی انتخابات در ایران ترکیبی است از حوزه های تک کرسی (۱۶۶ حوزه) و حوزه های چند کرسی (۳۶ حوزه). نارسایی ها و چالش های حوزه بندی ترکیبی، با نظام انتخاباتی اکثریتی نخست نفری با انتخاب فردی و جمعی غیرحزبی در مبحث قبل بیان شد. با اصلاح نظام انتخابات به نظام انتخابات ترکیبی (ترکیب تک گزینی و جمع گزینی حزبی) لیست بسته) می توان برخی از کاستی ها و چالش های این نوع از حوزه بندی انتخابات را بر طرف کرد.

**حوزه های انتخابی: گزینه های مناسب**

<p>تعیین حدود حوزه های انتخابی در کشور به صورت تک کرسی یعنی ۳۶ حوزه انتخابی چندکرسی موجود به حوزه های تک کرسی تقسیم شوند و انتخابات با نظام انتخاباتی اکثریتی موجود و تک گزینی انجام گیرد.</p>	<p>حوزه های تک کرسی</p>	<p>۱</p>
<p>تغییر نظام انتخاباتی کشور به نظام انتخاباتی (ترکیبی) که به دو صورت قابل اجرا است:            الف) حوزه های تک کرسی به شیوه تک گزینی (اکثریت نسبی) و حوزه های چند کرسی به صورت لیست بسته حزبی.            ب) تقسیم حوزه های انتخابی در کشور به ۱۴۵ حوزه انتخابی تک کرسی و دادن اجازه دو رأیی به مردم، یک رأی به افراد داوطلب در هر حوزه و یک رأی به لیست حزب (بسته) به تعداد کرسی های آن دو استان.            برای مثال، در استان فارس که ۱۸ نماینده دارد، استان به ۹ حوزه انتخابی تقسیم می شود، مردم هر حوزه انتخابی حق انتخاب یک نفر بعلاوه انتخاب ۹ نفر لیست بسته احزاب را داشته باشد. (وضعیت کشورها در اینگونه از نظام ها در جدول ذیل نشان داده شده است)</p>	<p>تغییر نظام انتخاباتی</p>	<p>۲</p>



ردیف	کشور	تعداد کرسی ها تناسبی	تعداد کرسی کثرتی اکثریتی	نظام اکثریتی به کار گرفته شده	مجموع تعداد کرسی ها
۱	بولیوی	۶۲(درصد۴۸)	۶۸(درصد۵۲)	EPTP	۱۳۰
۲	آلمان	۳۲۸(درصد۵۰)	۳۲۸(درصد۵۰)	EPTP	۳۵۳
۳	مجارستان	۲۱۰(درصد۵۴)	۱۷۶(درصد۴۶)	TRS	۳۸۶
۴	ایتالیا	۱۵۵(درصد۲۵)	۴۷۵(درصد۷۵)	EPTP	۶۳۰
۵	مکزیک	۲۰۰(درصد۴۰)	۳۰۰(درصد۶۰)	EPTP	۵۰۰
۶	نیوزلند	۵۵(درصد۴۲)	۶۵(درصد۵۸)	EPTP	۱۲۰
۷	ونزوئلا	۱۰۳(درصد۵۰)	۱۰۲(درصد۵۰)	EPTP	۲۰۴

### نتیجه گیری

در این مقاله سیر تحول حوزه بندی انتخابات از اولین قانون انتخابات در مشروطیت تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، که بیانگر تغییر حوزه های انتخاباتی از تناسبی به نظام آشفته ای از تک کرسی و جمع گزینی غیر حزبی بوده است، به گونه ای که در حال حاضر حوزه های انتخابی شامل ۱۶۶ حوزه تک نماینده و ۳۶ حوزه چند نماینده (از ۲ تا ۳۰ نماینده) است که مورد نقد صاحب نظران می باشد.

مبنای حوزه بندی انتخابات بر پایه جمعیت، در سال های آخر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت یک نماینده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ازای هر صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ برداشته شد و لذا در حال حاضر معیار دقیقی برای سازماندهی حوزه های انتخابی وجود ندارد و معلوم نیست که از دویست و نود نفر نماینده مجلس هر یک نماینده چه تعداد از جمعیت کشور هستند.

در این بررسی حوزه های انتخابی بر مبنای سه مولفه ی جمعیت، نظام انتخاباتی و نسبت کرسی های پارلمان به جمعیت مورد بررسی قرار گرفت. بر این مبنای حوزه بندی انتخاباتی بر پایه حوزه های استانی در چارچوب جمع گزینی حزبی به سبب امکان پذیر نبودن انحصار حزبی در قانون اساسی و جمع گزینی غیر حزبی به شکل موجود به سبب مشکلات مربوط به انتخاب داوطلبان، افزایش هزینه های انتخاباتی و ابهام در شمارش آراء مفید به نظر نمی رسد

و حوزه های انتخاباتی به صورت تک نماینده با توجه به رعایت عدالت و فرصت های برابر برای آحاد ملت، کاهش هزینه های انتخابات، سازماندهی رای دهندگان و جلوگیری از تقلب هایی نظیر جابجایی افراد برای رای و چاپ تعرفه های مازاد و همینطور امکان پذیری و انطباق با معیارهای قانون اساسی مناسب تر به نظر می رسد.

در کنار حوزه انتخابی تک نماینده، حوزه انتخابی ترکیبی نیز گزینه مناسبی برای ایران است و حوزه های انتخاباتی ترکیبی، ترکیبی است: از انتخاب افراد به صورت مستقل و انتخاب لیست احزاب به صورت همزمان. حوزه های انتخابی که در کشورهای نظیر آلمان، مجارستان، ایتالیا، مکزیک و ... وجود دارد